



جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.»
(پیشگفتار کتاب، ص ۵).

کمبل در پژوهش
ارزشمند و سترگ خویش

اساطیر اقوام گوناگون را تحلیل و به نحوی داوری می‌کند و این داوری از نظرگاه نقش و اهمیت هر اسطوره در سیر تکامل اندیشه و تمدن آدمی انجام می‌پذیرد و از همین بعد است که اساطیر ایران را گرامی می‌دارد و سه ویژگی مترقی (البته در زمینه‌ی تاریخی آن) برای اساطیر ایران برمی‌شمارد (صص ۶۷ - ۷۵): الف) «نخستین و بنیادی‌ترین این نوآوری‌ها - نوآوری‌های زرتشت - چرخه‌ی جهان است که رو به پیشرفت و بهتر شدن دارد و نه رو به زوال و بدتر شدن. (تا جایی که من - کمبل (اطلاع دارم این نخستین باری است که این نکته در تاریخ اساطیر عنوان می‌شود) (ص ۷۰). چرخه‌ی جهان در دیگر اساطیر مشرق زمین، به‌ویژه هند، مداری بسته است و همه چیز پس از گردش دراز و نبردی کیهانی به جای نخست خود بازمی‌گردد. همه چیز از سرگرفته می‌شود، اما در اساطیر ایران این نبرد تا به ابد ادامه نمی‌یابد بلکه با پیروزی کامل نور بر تاریکی... و با تحقق کامل سلطنت راستی (اشه)^۱ بر زمین به پایان خواهد رسید.» (ص ۷۱)

ب) دومین نوآوری بنیادی، چیزی که اساطیر زرتشتی را به ویژه از اساطیر هندی جدا می‌کند، «مسئله‌ی مسئولیتی است که بر دوش فرد گذاشته می‌شود...» (ص ۷۱) کمبل برای اثبات نظر خویش بند ۲ از یسنای ۲۰ را به عنوان نمونه ذکر می‌کند (همان صفحه)

ج) و سرانجام اصل سوم که بار دیگر کمبل در سنجش با

آقای بهرامی مترجم برجسته‌ی معاصر که به رغم دشواری‌های ترجمه‌ی اثری چنین سترگ به ترجمه‌ی تمامی اثر ارزشمند کمبل همت گمارده است، با توجه به پیوستگی مضمون در چهار جلد کتاب اصلی، دیگر مطالب مرتبط با اساطیر ایران را که در جلد دیگری از کتاب (جلد دوم، اساطیر مشرق زمین) نیز بدان‌ها اشاره شده است، به صورت پیوست یک با عنوان «قهرمان مشرق زمین و مغرب زمین» (صص ۶۷ - ۷۵) به کتاب اساطیر ایران و ادای دین افزوده و بدین ترتیب کوشیده است تا در عین آنکه مطلبی درباره‌ی ایران نادیده گرفته نشود، به پیوستگی و انسجام کتاب نیز لطمه‌ای وارد نشود کتاب اساطیر ایران و ادای دین مشتمل بر دو بخش است: بخش نخست آن «اساطیر ایران» با سه پیوست به شرح زیر که توسط مترجم کتاب انتخاب و ترجمه شده‌اند همراه است: پیوست یک با عنوان «قهرمان مشرق زمین و مغرب زمین» ترجمه‌ای است برگرفته از جلد دوم کتاب اساطیر جهان. پیوست دو با عنوان «پارادوکس تاریخ» نقل و ترجمه‌ای است به اختصار از کتاب ایران باستان تألیف ژوزف ویزه هوفر.^۲

پیوست سه با عنوان «ایران در عصر هخامنشیان/ جدول زمانی» نقل و ترجمه‌ای است از کتاب اخیر الذکر.

بخش دوم کتاب با عنوان «ادای دین» نوشته‌ی خود مترجم، آقای

علی اصغر بهرامی است.

شهریاری پیروزاشه (= راستی)



دکتر زهره زرشناس
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

○ اساطیر ایران و ادای دین

○ ژوزف کمبل

○ ترجمه ی. ع. ا. بهرامی تا انتشارات روشنگران و مطالعات زنان

○ چاپ اول ۱۳۸۱

از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود

به کجا می‌روم آخر نمایی وطنم^۱

۲) اساطیر مشرق زمین^۲

۳) اساطیر مغرب زمین^۳

۴) اساطیر خلاقه یا آفرینش اساطیر^۴

وی در این اثر چهار جلدی نخست به روایت و تحلیل اساطیر جهان از آغاز تا دوره‌ی رنسانس (جلدهای نخست، دوم و سوم) پرداخته و در پایان جلد سوم جمع‌بندی و نتیجه‌ی این بررسی را آورده است. جلد چهارم کتاب به انسان پس از رنسانس اختصاص دارد که خود سازنده‌ی اسطوره‌ی خویش است.

اثر کمبل اساساً با بیشتر آثار هم نام و هم ردیف خود متفاوت است. کتاب گزارش ساده و مجزا از مضمون‌ها و رویدادهای جداگانه نیست؛ بخش کردن کتاب به چهار جلد بیانگر چندگانگی اساطیر جهان هم نیست. کمبل مسیر اندیشه‌ی آدمی را دنبال می‌کند: «از کجا آغاز کرده‌ایم و به کجا می‌رویم.» موضوع کتاب حاضر، یعنی اساطیر ایران و ادای دین نیز در همین سیر تکاملی تبیین می‌شود و در کلیت اثر چهار جلدی کمبل معنای دقیق و قطعی خود را می‌یابد. گرچه می‌توان این بخش را که در متن اصلی با عنوان «دوران ایرانیان»^۵ در جلد سوم، آمده است؛ به صورت کم و بیش مستقلی ارائه کرد چنان‌که مترجم فاضل کتاب نیز چنین کرده است. چرا که این بخش برای خوانندگان ایرانی از

انسان پیوسته جستجوگر، از آغاز در پی یافتن پاسخی بدین پرسش بوده است. انسان جوینده‌ی آگاهی طی پیمودن دراز راه میان توحش تا تمدن و بت‌پرستی تا یکتاپرستی بر پایه‌ی شناخت و پیشرفت آگاهی‌های خویش پاسخ‌های گوناگونی بدین پرسش همیشگی داده است. بررسی اساطیر هر قوم و ملتی، به راستی بررسی همین پاسخ‌هاست و نمایانگر میزان شناخت و آگاهی آنان از جهان پیرامونشان در زمان‌های گوناگون.

موضوع‌های مورد بحث اساطیر بیان سرآغاز هستی و آفرینندگان آن، داستان‌های حماسی بازمانده از اعصار کهن و سرانجام گیتی و زندگی پس از مرگ است که به بازشناسی تاریخ پیشرفت تمدن و فرهنگ اقوام و ملت‌ها یاری می‌رساند و نیز گوشه‌هایی از آداب و عادات کهن را که امروز در میان آنان زنده است و از سنت‌ها و اعتقادات اعصار دیرین بر جای مانده است، روشن می‌سازد.

جوزف کمبل^۶ اسطوره‌شناس نامدار معاصر در چهار کتاب مستقل به بررسی اساطیر جهان در ۱۸۰۰ صفحه پرداخته است:

(۱) اساطیر ابتدایی^۷

کمبل مسیر اندیشه‌ی آدمی را دنبال می‌کند: «از کجا آغاز کرده‌ایم و به کجا می‌رویم.»

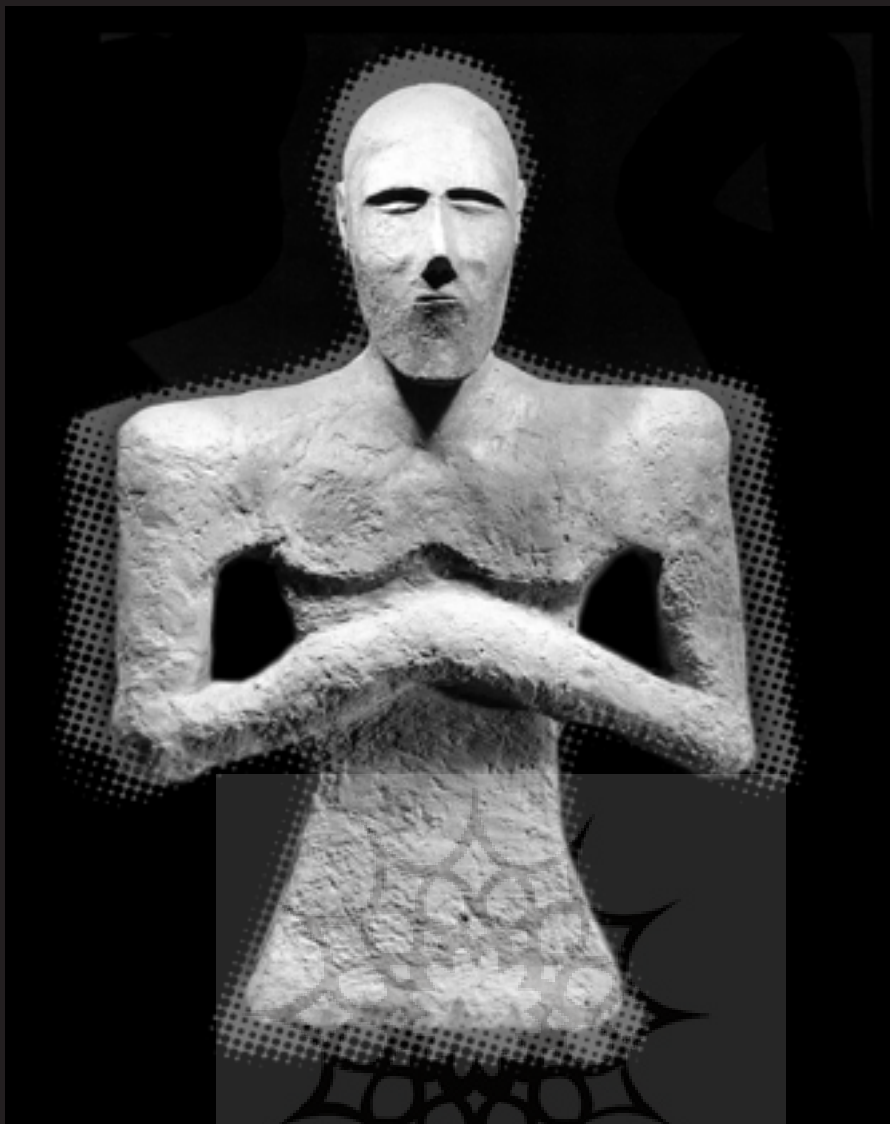
پانوشته‌ها:

- ۱- این بیت منسوب به مولوی است. دکتر شفیعی کدکنی در گزیده‌ی غزلیات شمس (ص ۵۷۸) نوشته‌اند که این شعر یقیناً از مولوی نیست.
- 2- Joseph Campbell
- 3- Primitive Mythology
- 4- Oriental Mythology
- 5- Occidental Mythology
- 6- Creative Mythology
- 7- Persian Period
- 8- Wiesehofer, Josef 1996: Ancient Persia, translated into English by Azizeh Azodi
- 9- Asa
- ۱۰- Jainism در سده‌ی ششم پیش از میلاد به وجود آمده است و در اصل نوعی اعتراض به آیین‌گرایی هندویسم است. پیروان جین به مفهوم سامی و اسلامی به خالق ایمان ندارند و عالم در نظر آنان به دو بخش مستقل زندگی (Jiva) و نا - زندگی (non - Jiva) بخش می‌شود. در این آیین تنها راه رسیدن به کمال ریاضت، نیکوکاری و نظم راهبانه است.
- 11- Miguel Asin y Placios
- ۱۲- در زبان پهلوی Ardawiraf/z -namaa کتابی درباره‌ی سفر ارداویراف یا ارداویراف به جهان دیگر است. ارداویراف همان وه‌شاپور (= به شاپور) موبد مشهور عهد خسرو انوشیروان بود که با خوردن می و منگ به معراج رفت و پس از هفت روز از عالم بالا بازگشت و کتاب ارداویراف نامه شرح مشاهدات وی در این سفر است.
- 13- Anquetil - duperron

می‌داند (ص ۶۷). چرا که براساس پژوهش‌های کشیشی کاتولیک به نام میگوئل آسین‌ای پلاسیوس " مشخص شده است که کمده‌ی الهی مستقیماً ریشه در معراج نامه‌ی ابن عربی دارد که آن هم ملهم از ارداویرافنامه‌ی پهلوی است. بخش دوم کتاب (صص ۹۰ - ۱۵۰) با عنوان ادای دین مشتمل است بر مقدمه‌ای کوتاه و یازده زندگی نامه که با انکتیل دوپرون " (ایرانشناس نامی فرانسوی) آغاز و به زنده یاد دکتر ملک مهرداد بهار ختم می‌شود. در این زندگی نامه‌ها ضمن معرفی این ایران‌شناسان بزرگ گزارش کوتاهی نیز از پژوهش آنان آمده است.

استاد بهرامی در مقدمه‌ی کوتاه این بخش کتاب به گسست فرهنگی تاریخی ایران در مقایسه با پاره‌ای از دیگر نقاط جهان و علل این گسست می‌پردازد.

وی به درستی خاطر نشان می‌سازد که پیش از پژوهش ایران‌شناسان اخیرالذکر تاریخ این سرزمین همان شاهنامه بوده است و این پژوهش‌ها را قدر می‌نهد و این بخش را «ادای دینی می‌داند هر چند کوتاه به تنی چند از کسانی که به همت بلند آنان این گسست تاریخی - فرهنگی پر شده است.» (ص ۹۷)



جهان‌بینی هندی چنین می‌نویسد: «... طریق وصول به هدف غایی در عدم درگیری (و انهدان جهان) و در عدم تعهد نیست... امر جهان تهی از امید و بیهوده نیست.» (همان صفحه) کمبل تا بدانجا پیش می‌رود که از «تلاش مشترک انسان و خدا» برای تحقق اشته سخن می‌گوید: انسان مانند انسان جینیسم^۱ هندی مونا (= ذره‌ی حیات) در یک کلیت نیست. این انسان باید خانه، زن و فرزند داشته باشد و گوشت بخورد زیرا «چنین مردی می‌تواند در برابر هجوم مرگ استخوان شکن، هر مرگ که تیر بر کمان زه کشیده دارد، پای بیفشرد و می‌تواند با نازک‌ترین جامه دربر، با اهریمن زمستان نبرد کند و می‌تواند با ظلم پلید به نبرد برخیزد...»

اصلی‌شان می‌کوچاند.» (ص ۴۴) اما پارسیان چنین نکردند. آنگاه کمبل به جزئیات فتوحات کوروش کبیر و داریوش کبیر و تساهل و تسامح مذهبی آنان درباره‌ی اقوام مغلوب می‌پردازد تا بدان حد که می‌نویسد (صص ۴۶ - ۵۱): بابلیان و یهودیان آنان را کمر بسته‌ی مردوک و یهوه (خدایان دو قوم متخاصم) می‌دانستند و در تورات و در نوشته‌هایی بر یکی از استوانه‌های بابلی بدین مطلب اشاره شده است. در نتیجه هنگامی که پادشاهی هخامنشی تقریباً بر تمامی جهان متمدن آن روزگار فرمان می‌راند، اندیشه به دور از تعصب‌ها و مرزهای جغرافیایی آزادانه در پهنه‌ی جهان متمدن آن زمان به حرکت درمی‌آید و رشد می‌کند.

داوری کمبل پیرامون اساطیر ایران و جایگاه آن در سیر تکامل اندیشه تا بدان پایه علمی و به دور از تعصب‌های معمول قومی اروپاییان - که یونان را اساس همه چیز می‌دانند - است که نظریه‌ی سوشیانت (= منجی) ایرانی را بن و سلف مسیح و تمامی منجی‌های بعدی می‌داند و تا جایی پیش می‌رود که نظریه‌ی مارکس درباره‌ی انقلاب کارگری را مکاشفه‌ی پرولتاریایی مارکس (ص ۲۵) می‌خواند و آنرا تقلیدگونه‌ای از اسطوره‌ی ایرانی آفرینش، سقوط و رستاخیز (نو کردن) جهان می‌داند که به نوبه‌ی خود تأثیری بنیادی بر یهودیت و مسیحیت گذاشتند و از آن طریق به مارکس رسیده است. وی حتی بن مایه کمدی الهی دانته را برآمده از ارداویراف نامه

(وندیاد ۴۷ - ۴۹ به نقل از ص ۷۲) کمبل برپایی شاهنشاهی هخامنشی را تحولی عظیم در مسیر تاریخ بشری و نقطه‌ی عطفی در آن گذرگاه می‌داند. به نظر او پارسیان حتی شیوه‌ی جنگ را دگرگون ساختند و نیز گونه‌ی جدیدی از حکومت را بنا نهادند که با جنگ‌ها و حکومت‌های پیشین تفاوتی ماهوی داشت. وی می‌نویسد (ص ۴۳): پیش از پارسیان فاتحان، همه‌ی جانداران شهر مغلوب را یکجا می‌کشتند و یا همه‌ی ساکنان شهر را برده می‌کردند و بر آنها جزیه می‌نهادند و شیوه‌ی تیغلات پیلسر، پادشاه نبرومند آشور، این بود که «شریان وابستگی و اتصال مردمان را با خاک قطع کند و بدین منظور قوم مغلوب را به سرزمین‌هایی دور از سرزمین